

نگرشی نو به صلح

امام حسن مجتبی (علیه السلام)

تألیف: استاد الأسعد بن علی

ترجمه: مهدی فصاحت

سرشناسه	:	بن علی، اسعد، ۱۹۶۴ -
عنوان قرارداد	:	صلح الامام الحسن علیه السلام من منظور آخر . فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	نگرشی نو به صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) / الاسعد بن علی؛ مترجم مهدی فصاحت.
مشخصات نشر	:	فارسی: پیمان غدیر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۰ ص.
شابک	:	۳۰۰۰۰ ریال 4-17-5423-600-978:
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۳ - ۵۰ هـ -- صلح یا معاویه
موضوع	:	حسن بن علی (ع)، امام دوم، ۳ - ۵۰ هـ -- سرگذشتنامه
موضوع	:	اسلام و صلح
موضوع	:	اسلام و جنگ
شناسه افزوده	:	فصاحت، مهدی، ۱۳۶۱ - مترجم
شناسه افزوده	:	بنیاد پژوهشی فرهنگی پیمان غدیر
رده بندی کنگره	:	BP ۴۰۵/ب/۸۵ ص ۸۰۴ - ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۵۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۳۸۹۷۲۲

نام کتاب: نگرشی نو به صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام)

مؤلف: استاد الاسعد بن علی

مترجم: مهدی فصاحت

طراحی جلد: کانون تبلیغات شهروند

تایپ و صفحه آرایی: حسن رحمانیان

ناظر فنی چاپ: عبدالمطلب جاماسبی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: تابستان ۱۳۹۰

ناشر: پیمان غدیر

تیراژ: ۱۵۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

آدرس: جهرم، خیابان اسد آبادی، روبروی دادگستری، انتشارات پیمان غدیر - تلفن: ۷۹۱۳۳۳۵۸۸۷.

اهدای کتاب

این اثر را به روح پاک و مطهر فقیه پارسا و پرهیزکار حضرت
آیت الله معظم حاج سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (ره)
که از محضر پر فیضش درس‌ها آموختم و به روح دوست عزیز و
برادر بزرگوارم مرحوم آقای حسین فروزان و برادر گرامی‌اش
مرحوم آقای عبدالرسول فروزان تقدیم می‌دارم به این امید که
مشصول عنایات ویژه‌ی کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی
(سلام الله علیه) باشند.

فهرست مطالب

۸	 مقدمه مترجم
۱۱	 مقدمه مؤلف
۱۸	 فصل اول
۱۸	 امام حسن (ع) از کودکی تا شهادت
۱۸	 مرحله اول: از میلاد تا وفات رسول خدا (ص)
۲۲	 مرحله دوم: امام حسن (ع) در زمان خلفاء
۲۵	 مرحله سوم: در سایه‌ی حکومت امام علی (ع)
۲۸	 مرحله چهارم: از شهادت علی (ع) تا قرارداد صلح

۳۶	مرحله پنجم: از بازگشت به مدینه تا شهادت
۴۳	فصل دوم
۴۳	معاهده‌ی صلح، بندها و سیاق تاریخی
۶۰	فصل سوم
۶۰	ابعاد و رازهای صلح
۸۴	فصل چهارم
۸۴	شبهه‌هایی پیرامون صلح
۱۰۰	بخش. پایانی
۱۰۰	صلح ۹امام حسن (ع) و انتخاب‌های کنونی امت
۱۰۳	فهرست منابع

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمین فاطر السماوات و الارضین باعث الانبیاء و المرسلین ثم الصلوة و السلام علی خاتمهم و افضلهم و اشرفهم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین لاسیما بقیة الله فی الارضین و اللعن الدائم علی اعدائهم اجمعین من الآن الی يوم الدین.

سخن پیرامون شخصیت بزرگی است که همگان از دوست و دشمن به عظمتش معترفند، آقایی و سیادتش را ستوده‌اند و جود و بخشش را مثل زده‌اند. آقایی که در دامان پاک و پر مهر رسول خدا (ص)، امیرمؤمنان (ع) و فاطمه زهرا (س) پرورش یافت و مراتب کمال را طی کرد تا در آینده رهبری و امامت امت اسلام را به دست گیرد و آنان را به سر منزل مقصود برساند اما در این مسیر پر پیچ و خم، حوادثی تلخ و ناگوار برایش پدید آمد که لاز طرف مسلمانان همراهی نشد. که از آن جمله می‌توان به صلح با معاویه اشاره نمود. صلح امام حسن (علیهم السلام) اگر چه پر شکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ است اما به دلیل همراهی نکردن امت مسلمان با امام زمان و تنهایی غریبانه و مظلومانه‌ی ایشان در جهت حفظ اسلام و مسلمین و افشای جنایات و خیانت‌های دستگاه اموی صورت پذیرفت. در آن شرایط حساس، تنها استراتژی که امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌توانست آن را اتخاذ کند، صلح با معاویه بود. اما برخی خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته زبان به اعتراض گشودند و عیب تراشی کردند و بیش از پیش بر مظلومیت امام (ع) افزودند.

آن چه پیش روی شماست، ترجمه کتاب «صلح الامام الحسن (ع) من منظور آخر» اثر محققانه، کم نظیر و ارزشمند شیخ الاسعد بن علی است. که برای استفاده‌ی هرچه بیشتر دوست داران خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به فارسی برگردانیده شده است به این امید که در پیشگاه حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) مقبول افتد ان شاء الله.

مؤلفه کتاب:

استاد مشیخ الاسعد بن علی در سال ۱۹۶۴م در کشور تونس پا به عرصه وجود گذاشت و در خانواده‌ای مالکی مذهب رشد نمود. تحصیلات خویش را تا دبیرستان به پایان رسانید و در یکی از رشته‌های علوم طبیعی در دانشگاه پذیرفته شد. او در خلال مطالعه‌ی کتاب‌ها و مقالات مختص به علوم جدید و افکار معاصر که به طرح ایدئولوژی جدیدی از منظر اسلام متهم هستند، به نکات نو و قابل توجهی دست یافت و کوشید تا با شخصیت‌های متبحر در این زمینه بیش از پیش آشنا شود. او در ککاش خویش با کتاب‌های مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (ره) آشنا شد و مات و مبهت شخصیت وی گردید. از این طریق با میراث گرانبهای شیعه نیز آشنایی پیدا کرد و به تدریج اصول و قواعد این مذهب را شناخت و در سال ۱۹۸۴م به صورت رسمی، تشیع خویش را اعلام نمود. سپس به سوریه مسافرت کرد و در جوار حرم حضرت زینب کبری (س) در دمشق رحل اقامت افکند و برای دریافت هرچه بیشتر علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در حوزه‌ی علمیه‌ی آن سامان به فراگیری علوم دینی مشغول شد و در حال حاضر از اساتید مبرز سوریه به شمار می‌آید.

تألیفات استاد:

- ۱- «التجدید الکلامی عند الشهدید الصدر (ره)» که توسط «مرکز الابحاث العقائدیة» به چاپ رسیده است.
- ۲- «المنهج الجدید فی تدریس العقائد»
- ۳- «فصول فی ثقافة الانتظار»
- این دو کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.
- ۴- «صلح الامام الحسن (ع) من منظور آخر» که کتاب حاضر ترجمه‌ی آن است.

از ایشان مقالات زیادی در «مجلة الثقافة الاسلامية»، «مجلة المنهاج»، «مجلة النور» که به ترتیب در دمشق، بیروت و لندن منتشر می‌شود، چاپ گردیده است. برخی از مقالات ایشان نیز در «المجلة البصائر» که مرکز پژوهش‌های اسلامی حوزه‌ی امام قائم (عج) آن را منتشر می‌کند، به چاپ رسیده است.

تشکر و قدردانی:

در پایان از همسر گرامی‌ام که در طول این مدت با مهربانی و حوصله مرا در این کار یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم به این امید که مشمول عنایات ویژه‌ی حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) باشند.

بر خود لازم می‌دانم که از عالم وارست و پرهیزکار استاد عالیقدر حضرت آیت الله سید احمد واحدی (مقیم سوریه) که با بزرگواری زمینه تماس با مؤلف محترم کتاب را برای بنده فراهم آوردند و نیز از مؤلف محترم استاد شیخ الاسعد بن علی که اجازه ترجمه، چاپ و نشر کتابشان را به این جانب عنایت فرمودند، تشکر و قدردانی نمایم باشد که در پناه قرآن کریم و عترت طاهرین (ع) محفوظ، موفق و پیروز باشند.

هم چنین از نماینده محترم مردم شریف دارالمؤمنین جهرم در مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر رضایی، شهرداری و شورای اسلامی شهر جهرم که در چاپ این کتاب مساعدت و همکاری نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. ان شاءالله در خدمت صادقانه خالصانه و دلسوزانه به مکتب نورانی و فرهنگ والای اهل بیت (ع) کوشا، سربلند و موفق باشند.

مقدمه مؤلف:

بازخوانی تاریخ یک خوش گذرانی فکری و غرق شدن در گذشته نیست که واقعیت و سوالات پیرامون آن و عصر حاضر و مشکلاتش را از چشم ما پوشیده دارد بلکه آگاهی تاریخی مقدمه‌ای برای خود ساختن و ساخت جوامع، تحقق بخشیدن نهضت و تغییری است که به پاره‌ای عوامل مستند می‌باشد که از آن جمله فهم و شناخت عمیق تاریخ و نگاه سنجیده به گذشته است.

درست است که ما مسئولیت آن چه گذشتگان انجام داده‌اند را به دوش نمی‌کشیم اما قطعاً آن چه که آنان انجام داده‌اند، زمینه و قاعده‌ای برای هر کار جدیدی است. پس خواندن تاریخ و سیر نمودن در آثار گذشتگان، درس‌های مهمی را در پندپذیری و عبرت‌گیری از گذشته و از تاریخ فرقه‌ها و امت‌ها^۱ نصیب انسان می‌سازد.

خداوند تعالی در این باره می‌فرماید: «سیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبل»^۱ و نیز می‌فرماید: «اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا اشد منهم قوة»^۲

بازگشت به تاریخ فرصت کشف و دستیابی به شریعت، دستورات و قوانینی که صعود و نزول تمدن‌ها و نهضت فرقه‌ها و عقب‌گرد آنان، برپایی انقلاب‌ها و سقوطشان و ظهور دولت‌ها و از بین رفتنشان را محکم می‌سازد به ما عطا می‌کند و خداوند می‌فرماید: «سنة الله فی الذین خلوا

۱- سوره روم ۹/۳۰ «آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند، چگونه می‌باشد؟»

۲- سوره فاطر ۴۴/۳۵: «آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه می‌باشد و حال آن که آنان از ایشان نیرومند تر بودند؟»

من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً»^۱، «ولن تجد لسنة الله تحويلاً»^۲، «قد خلت من قبلکم سنن فسيروا في الارض»^۳، «يريد الله ليبين لکم و يهديکم سنن الذين من قبلکم»^۴

این اندیشیدن در تاریخ به فرد فرد ما عمری تاریخی می‌بخشد که از لایه لای آن، تمامی تجربه‌های گذشتگان را هم چون گنجینه‌ای جمع آوری کنیم و با شناخت، احاطه و آگاهی حرکت نماییم. امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در وصیت خویشی به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «سر عزیزم؛ اگر چه من با پیشینیان زندگی نکرده‌ام، اما در کارهای‌شان نگرستم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر نمودم تا این که گویا یکی از آنان شدم، بلکه با مطالعه‌ی تاریخشان گویی چنان است که از اول تا پایان عمرشان با آنها بوده‌ام»^۵.

پس اگر تاریخ و بازخوانی‌اش این اهمیت را دارد، خواندن (بازخوانی) سیره‌ی رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) چگونه است و حال آن که آنان رهبرانی الهی هستند که زندگی‌شان، بخشی بزرگ و فصلی روشن از تاریخ امت را به نمایش می‌گذارد، پس همین برای بازخوانی سیره‌ی آنان کافی است و به تعبیر دیگر بازخوانی دین، شریعت و مرجعیت‌های عقیدتی و رفتاری این امت است زیرا که آن بزرگواران محل نزول وحی، معدن علم و دانش و راه رسیدن به خداوند تعالی هستند.

۱- سوره ی احزاب ۶۲/۳: «و این سنت خداوند درباره ی کسانی است که قبل از ایشان بودند و هرگز در سنت خداوند تغییری نمی یابی».

۲- سوره ی فاطر ۴۲/۲۳: «و هرگز در سنت خداوند تغییری نمی یابی».

۳- سوره ی آل عمران ۱۳۷/۳: «قطعاً پیش از شما، سنت هایی انجام شد (گذشت) پس در زمین سیر کنید».

۴- سوره نساء ۲۶/۴: «خداوند می خواهد برای شما بیان کرده و روشن سازد و سنت های پیشینیان شما را برایتان ارائه نماید».

۵- نهج البلاغه، نامه ی ۳۱.

اما هنگامی که پژوهشگر به منابع و مصادر تاریخی و کتاب‌های سیره مراجعه می‌کند با بلاها و چالش‌های متعددی مواجه می‌شود که با استفاده از این کتاب‌ها می‌تواند در ساخت فرهنگ فرد مؤمن و بنای آگاهی دینی و تاریخی او کمک گیرد. پس سیره بخشی از تاریخ است و تاریخ با آثارش بر سلاطین، پادشاهان و دولت‌هایی که حکم رانده و سپس از بین رفته‌اند، حاکمیت دارد. از این رو تاریخ در ذات خویش اولاً در برابر هوا و هوس‌ها و تعصبات خاضع و فروتن است نه در برابر میزان علمی و موضوعی و خالی از این گونه امور.

«پس کسانی که در دوره‌های اولیه تدوین، آثار اسلامی را تدوین کرده‌اند، حقایق تاریخی بیش از ارضا نمودن عواطف مذهبی و واکنش‌شان با گروه‌های سیاسی برایشان اهمیت بیشتری نداشته است زیرا در روزگاری بوده‌اند که سیاست حاکمان در برخورد با بیشتر مسلمانان، خونریزی (به راه انداختن خون) بوده است»^۱.

اما مواقف آغازین و اساسی و خط الهی که امامان اهل بیت (ع) به آن چنگ زده و تمسک جسته‌اند، این است که آنان ظلم و ستم را ترک کرده و انحراف را رها نموده و از ستم کردن عیب جویی کرده‌اند و همین امر آنان را در مواجهه و رویارویی با نظام‌های مختلف طاغوتی هم چون امویان، عباسیان و دیگران که در تاریخ مسلمانان حکم رانده‌اند، شاخص قرار داده است.

پس ائمه (علیهم السلام) همیشه در جبهه‌ی مقابله گاهی آشکارا و گاهی مخفیانه پایداری کرده‌اند و به همین خاطر، انواع گوناگون شکنجه، اذیت و آزار، تبعید و آوارگی را دیده‌اند و حکومت‌های ستمگر به این سختی‌ها که به اهل بیت (علیهم السلام) رسیده، اکتفا نکردند. از این رو به خاطر اذیت بیشتر، کسانی را در صفوف ایشان وارد کرده و دسیسه نموده‌اند تا تعالیم آن بزرگواران را زشت جلوه دهد و احادیث و دروغ‌هایی را از زبان آنان وضع نماید. بلکه این قدرت‌های ستمگر در صفوف تمامی مسلمانان چنین کردند. از این رو بخش بزرگی از حقایق از بین رفت و تاریخ در دست سه گروه قرار گرفت. اول: مورخی که برای خشنودی حاکم و پادشاه

تلاش می‌کند تا از مقابله و معارضه‌ی او دور بماند و حقیقت را به کناری می‌نهد، چنان چه عادت نویسندگان تاجر پیشه در هر عصر چنین بوده است. دوم: حدیث پرداز دروغگو و فریبکاری که داستان‌ها و افسانه‌هایی را می‌آفرینند و روایاتی را وضع می‌کند تا چهره‌ی روشن، خالص و درخشان ائمه (علیهم السلام) را زشت جلوه دهد.

و دیگری روایتگری که هر چیزی را بدون نقد، سنجش و آزمودن نقل می‌کند. «و شاید ائمه (علیهم الصلوه و السلام) در مضجع شریف‌شان از کسانی که آثار و احادیث ایشان را به نقل از راویان جمع کرده‌اند و تمامی آنچه از اقوال و افعال که به آن بزرگواران نسبت داده شده، بدون غربال کردن و آزمودن تدوین ساخته‌اند، رنج می‌کشند تا این که سنگ ریزه از طلا و مروارید از صدف آشکار گردد. این نویسندگان علی رغم تلاششان که شایسته‌ی سپاس و تقدیر است، به دشمنان اسلام و کینه توزان دین و اهل بیت (علیهم السلام) با این سلاح کمک نموده و با پراکندن، انتشار و پخش روایات مسمومشان و زشت جلوه دادن عقیده‌ی شیعه این کینه توزان را شاد گردانیده‌اند چنان چه از تألیفاتشان که گاه گاه منتشر می‌شود، پیداست»^۱.

و آن چه پیرامون سیره‌ی ائمه (علیهم السلام) جدیداً نگاشته می‌شود غالباً نیز با شک و تردید همراه است به همان دلایلی که درباره‌ی منابع گذشته و قدیمی ذکر شد و این امر در استفاده‌ی شخص مؤمن در عصر حاضر از تاریخ ائمه (علیهم السلام) و ارتباط برقرار کردن با واقعیت زندگی شان فاصله می‌اندازد. پس هر باز خوانی و تحقیق تاریخی یا مطالعه‌ی تاریخ ناظر به مرحله، زمان، روش اندیشیدن مردم آن عصر و رویه‌ی آگاهی‌شان می‌باشد. از این نظر، ممکن نیست که ما امروز سیره‌ی رسول خدا (ص) یا سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) را آن گونه بخوانیم که پیشینیان خوانده‌اند زیرا که خواندن آنان در حقیقت، دادن پاسخ مثبت به نیازشان و سؤالات عصرشان بوده است. این برخی از مشکلات چالش‌هایی است که در نوشتن سیره با آنان رو به رو هستیم.

و هنگامی که می‌خواهیم با سیره‌ی امام حسن (علیه السلام) همراه شده، به آن بیندیشیم در هر جانبی از آن، مشکل جدیدی آشکار می‌شود که قطعاً ستمی تحریفی و ساختگی است و حال آن که ما می‌دانیم تمامی ائمه (علیهم السلام) از زشت جلوه داده شدن و در معرض تهمت و اتهام قرار گرفتن در امان نمانده‌اند. به عنوان مثال از جمله‌ی این تحریفات آن است که گفته می‌شود: امام حسین (ع) با شمشیر (به خاطر شمشیر) پدر بزرگش پیامبر (ص) کشته شد! و امام رضا (ع) با پذیرفتن ولایت عهدی، شرعی بودن خلافت را به عباسیان ستمکار عطا نمود! و امام علی (ع) بیعت با خلفاء را امضاء و از حق شرعی‌اش استعفا نمود! و دیگر تفسیرهایی که با عصمت آن بزرگواران و سلامت و درستی راه و روش‌شان منافات دارد.

اما سیره‌ی امام حسن (ع) نزد بیشتر مورخان و سیره نویسان به عنوان شخصی مطرح است که بسیار ازدواج می‌کرده و طلاق می‌داده است، به طوری که تعداد همسرانش از یکصد و پنجاه زن بیشتر می‌باشد! حتی امام علی (ع) از او آزرده شده و فرموده است: «به فرزندان حسن زن ندهید که او همسر را بسیار طلاق می‌دهد».

دیگری (طه حسین) که به عثمانی بودن مشهور است و هوا و هوشش میل به سوی بنی امیه دارد و عثمان را مظلوم می‌داند، از همین روست که از معتقد است که امام حسن (ع) با دادن خلافت به معاویه، از حق خود استعفا نمود!

و مورخ دیگری گفته است که حسن (ع) در شک و تردید بوده و شخصیتی قوی نداشته^۱ و شایستگی رهبری را دارا نبوده است ...

و از جهت دوم: سیره‌ی امام حسن (ع) (به خاطر کاستن از شأن و جایگاه آن حضرت (ع) که از آن به خداوند پناه می‌بریم) در برابر مقایسه‌های ستمکارانه‌ای سر تسلیم فرود آورده است. گاهی اوقات با معاویه که از آن به با تجربه بودن وی و عدم آگاهی امام (ع) استدلال کرده‌اند!

و یک بار با امام علی (ع) که از آن به دوراندیشی و جرأت آن حضرت (ع) و ضعف و شک و تردید امام حسن (ع) استدلال نموده‌اند!

و بار دیگر با امام حسین (ع) که از آن بر انقلابی بودن و زیر بار ظلم نرفتن آن حضرت (ع) و سازش‌پذیری و تسلیم شدن امام حسن (ع) استدلال کرده‌اند!

این گونه تحلیل‌ها، تحریکاتی جفا کارانه در حق امام حسن (ع) است که وارد نساختن این مباحث در چهار چوب عقیدتی امامت، آنها را در این گونه مباحث فرو برده است. پس آنان (مورخین و سیره نویسان) به امام حسن (ع) تنها به عنوان یک رهبر سیاسی نگریسته‌اند و صفات امامت، حافظ دین بودن و سرپرستی [دین و مسلمین] وی را باطل و بیهوده ساخته‌اند. این فصل میان چهارچوب عقیدتی و سیاق تاریخی، آنان را در مثل این چنین ارزیابی‌های ستمکارانه واقع ساخته است چنان چه تحلیل موضعی که تنها همراه شدن با نصوص تاریخی باشد و با راه و روشی متصل و پیوسته در بازخوانی زندگی ائمه (علیهم السلام) مستند نگردد،^۱ آب در هاون کوبیدن است.

به یاری خداوند، بازخوانی ما پیرامون زندگی امام حسن (ع) و انتخاب‌های مشکل ایشان، مسلح به ابزار روشمندی است که از این خطاها، سختی‌ها و مشکلات عبور کرده است تا جایگاه حق را بشناسیم و قرائتی واقعی از صلح آن حضرت (ع) که خیرهای بی اساس، هیاهو و جدل درباره‌اش بسیار است را داشته باشیم.

این بازخوانی با این مقدمه بر چهار فصل و یک خاتمه استوار گردیده است.

فصل اول: امام حسن (ع) از کودکی تا شهادت.

فصل دوم: معاهده‌ی صلح، بندها و سیاق تاریخی.

فصل سوم: ابعاد و رازهای صلح.

فصل چهارم: شبهه‌هایی پیرامون صلح.

بخش پایانی: صلح امام حسن (ع) و انتخاب‌های کنونی و مشکل امت!

www.ketab.ir

فصل اول

امام حسن (علیه السلام) از کودکی تا شهادت

امام حسن (علیه السلام) فارغ از حوادث و تحولات در امتداد پنج عهد و دوره زندگی کرد. این زندگی نسبتاً کوتاه بود و امام (ع) در گذر این زندگی کوتاه از بیراهه رفتن‌های قطعی و واقعی در تاریخ امت اسلامی که در سرنوشت قرن‌های طولانی و متمادی حاکمیت می‌یافت، روی برگرداند.

مرحله اول: از میلاد تا وفات رسول خدا (ص)

مرحله دوم: امام حسن (ع) در زمان خلفا

مرحله سوم: امام حسن (ع) در سایه حکومت امام علی (ع)

مرحله چهارم: از شهادت علی (ع) تا قرارداد صلح

مرحله پنجم: از بازگشت به مدینه تا شهادت

مرحله اول:

از میلاد تا وفات رسول خدا (ص)

امام حسن (ع) در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان سال سوم هجری به دنیا آمد، رسول خدا (ص) او را حسن نامید چرا که علی (ع) در نامگذاری او از رسول خدا (ص) سبقت نگرفته بود و او اولین کسی بود که به این اسم نامیده شد و حسین نیز از این اسم گرفته شده است چنان که در روایت است که: رسول خدا (ص)، حسن و حسین (رضی الله عنهما) را نامگذاری کرد و نام حسین را از نام حسن گرفت.^۱

و از امام جعفر بن محمد (ع) روایت شده که فاطمه (ع) سرِ حسن و حسین را در روز هفتم

۱- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۰ - ابن عساکر دمشقی شافعی، ابوالقاسم علی بن الحسن، ترجمه الامام الحسن (ع) من تاریخ مدینه دمشق، ص ۱۷.